

شرح مفاهیم بنیادین کتاب

با توجه به اینکه پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات در این نوشتار، در معانی خاصی بکار رفته اند برای جلوگیری از هرگونه سوء برداشت احتمالی و فهم بهتر منظور نویسنده، بهتر است پیش از خواندن به معانی تشریحی اصطلاحات زیر توجه شود.

(۱) مورد پژوهی (Case research) {تجربه کاوی}

عبارت از فرآیندی منظم، دقیق و روشمند است که در متن «سند یک تجربه» که حاصل از فرآیند تجربه نگاری است با هدف کشف، استنباط و استنتاج آموزه‌های کلی صورت می‌گیرد تا:

- امکان توصیف یا تبیین دلایل، چرایی و چگونگی ظهور یک مساله
- نتایج حاصل از برخورد با مساله
- و شناسایی ظرفیت‌های بلا استفاده و شیوه بهره‌برداری از آن، را فراهم کند.

موردپژوهی می‌تواند بصورت تکی ویژه یا متعدد مشابه صورت گیرد، آموزه‌های استنباطی از موردپژوهی متعدد مشابه، با پیمایش میدانی دارای اعتبار بیشتری است.

(۲) تجربه نگار

کسی است که تجربه به پایان رسیده را در چارچوب یکی از قالبها و ساختارهای نگارشی، می‌نگارد (اعم از اینکه خود تجربه را از

سر گذرانده یا بطور دقیق در جریان آن باشد). تجربه نگاری می تواند بصورت فردی یا گروهی باشد.

۳) تجربه نگاری

فرآیندی است که تجربه نگار با رعایت و حفظ امانتداری لازم و سبک نگارش کاملاً رئالیستی و واقع گرایانه طی آن سعی می کند چگونگی ظهور یک مساله و یا شناسایی یک ظرفیت و ابعاد آن را به طور دقیق با ذکر اطلاعات و آمار و ارقام لازم بطور تشریحی مستند کند، سپس مشخص سازد چگونه با مساله مذکور برخورد شده و در نهایت چه نتایج کمی و کیفی حاصل شده است. فرآیند تجربه نگاری به تدوین «سند تجربه» ختم می شود.

۴) سند تجربه

عبارت از متنی منسجم و مستند است که در آن شرح وقایع با ذکر جزئیات لازم و مرتبط و نتایج به دست آمده از حل یک مساله یا بهره برداری از یک ظرفیت آورده می شود. سند تجربه در فرآیند تجربه نگاری حاصل می شود.

۵) آموزه های تجربی

گزاره هایی هستند که بیانگر آشنایی، نتیجه بینی و راه دانی در حوزه ای خاصند. این گزاره ها به شکل احکام، قواعد و اصولی تجربی از حادثه ها و رویدادهایی که در قالب یک تجربه رخ می دهند بطور خودآگاه و ناخودآگاه استنتاج و استنباط می شوند.

آموزه‌ها، افراد (صاحب تجربه و دیگران) را قادر می‌سازند تا رخدادهای مشابه را براساس آنها پیش بینی و پیش اندیشی کنند. آموزه‌ها طی فرآیند موردپژوهی فردی و میدانی از متن سند تجربه نگاشته شده توسط دیگران یا حین تجربه خود بصورت کتبی یا دریافت شهودی حاصل می‌شوند. آموزه‌های تجربی یک فرد نباید با هم ناسازگار باشند.

۶) مورد پژوه (تجربه کاو)

فردی (یا گروهی) است که با تجزیه و تحلیل روشمند در پی کشف و شناسایی «چرایی‌ها» و «چگونگی‌ها»ی، نهفته در متن سند یک تجربه واقعی است و تلاش می‌کند تا به آموزه‌های تجربی (احکام، قواعد، قانونمندی‌های حاکم در حوزه سازمان) دست یابد تا با این آموزه‌ها تجارب خود را توسعه و ضریب خطا را در شرایط مشابه کاهش داده و احتمال کارآیی و اثربخشی را در عمل افزایش دهد.

۷) موردنگاری آموزشی (Case writing)

نوعی نگارش رویدادهای مدیریتی است که موردنگار با بهره‌گیری از سبک‌های نگارش رئالیستی و خلاقانه، شرایط یک رخداد در حال جریان یا خاتمه یافته را به گونه‌ای تصویر می‌کند. موردنگاری با این هدف است که موردکاو بصورت فردی یا گروهی با تدبیر تجربی - علمی و نکته‌یابانه خود به سئوالات (حوزه‌های کندوکاو/ محورهای گفتگو) آن پاسخ دهد و از این طریق مهارت‌های گوناگونی چون تشخیص مساله، کاربردی کردن علم و قدرت ایفای نقش خود را تقویت نماید. موردنگاری آموزشی بیشتر یک روش تدریس است.

۸) مورد (Case)

عبارت از متنی منسجم با گرایش‌ات واقع‌گرایانه است که با ویرایش و آرایش ادبی همراه است که بیانگر یک رخداد سازمانی است. هر مورد حاصل فرآیند موردنگاری است.

۹) حوزه‌های کندوکاو

در انتهای هر موردکاو دو دسته سؤال (حوزه‌های کندوکاو) مطرح می‌شود، دسته‌ای از آنها بطور مستقیم و خاص به داده‌های زمانی و مکانی مورد ربط دارد و دسته‌ای دیگر سئوال‌های عام‌تری هستند که در خصوص جنبه‌ی عمومی موردکاو قابل طرح هستند و در واقع زمینه‌هایی برای گفتگو و آرایه اطلاعات بین افراد را فراهم می‌کنند.

۱۰) موردکاوی (Case Study)

فرآیند کندوکاو هوشمندانه و نکته‌یابانه در متن یک مورد برای پاسخ دهی یا راه‌جویی هدفمند، در حوزه‌های خاص و عامی

است که در انتهای متن موردآمده است. موردکاو(ان) با بهره گیری از اطلاعات علمی مناسب و تجارب عملی مرتبط، موردکاوی را انجام می دهد.

(۱۱) موردکاو کیست؟

فردی است که تلاش روشمند می کند تا با بهره گیری از توان علمی، تجربی و نکته یابی هوشمندانه خود، حوزه های گوناگون یک رخداد سازمانی را کندوکاو نموده و برای آنها راه حل یا پاسخی ارائه کند. مورد کاو می تواند بصورت فردی یا گروهی فرآیند مورد کاوی را انجام دهد.

(۱۲) استنباط

آموزه های حاصل از تجربه کاوی، محصول استنباط و فهمی است که در فرایند پژوهش از تجربه خود و تحلیل تجربه های دیگران به دست می آید. تحلیل به معنای «از هم گشادن» یا «حل کردن چیزی است» و در زبان فارسی معناهای بسیار دارد: تجزیه کردن، فروگشادن، انحلال و هضم، فانی کردن چیزی یا گداختن، کاویدن، فروکاویدن، ناپدید کردن و استنباط از ریشه «نبط» و در لغت به معنای «کشیدن آب از اعماق زمین» است و در اصطلاح به معنای بیرون کشیدن معانی و مقاصد از اعماق و ورای ظواهر الفاظ است. قدرت استنباط آموزه های معتبر از متن یک تجربه به هوشمندی، آشنایی و آگاهی علمی و روشمندی فرد تجربه کاو وابسته است. به همین دلیل دو فرد یکسان را می توان در نظر گرفت که از یک تجربه یکسان، آموزه های متعدد و متنوعی را

استنباط می کنند و یا حتی تجربه های آنها در حد یک خاطره باقی می ماند.

۱۳) آموختگی سازمانی

عبارت است از فرآیند استنباط آموزه های کلی از رخدادهایی که یک فرد در طول سالهای کاری خود تجربه می کند این آموزه ها نوع شناخت، تحلیل و رویکرد او را در برخورد با مسایل متاثر می سازند. چنانچه در طول سابقه کار، از تجربه ها آموزه ها استنباط شود آموختگی سازمانی حاصل می شود آموختگی سازمانی شکل تجربی یادگیری سازمانی است.